

## The Impact of a Cognitive System of Political Elites on Israeli Foreign Policy: The Case of Benjamin Netanyahu

Javad Arabameri 

Ph.D, International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Mohsen Eslami \* 

Associate Professor, International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Seyed Masoud Mousavi Shafaei 

Associate Professor, International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Mohammad Hossein Jamshidi

Associate Professor, International Relations, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

### Abstract




Benjamin Netanyahu has been the main figure in the Israeli political scene for the past decade. Since he has played a major role in shaping the Israeli foreign policy in the international arena, this study seeks to examine his leadership style and personality traits as an influential and at the same time a neglected factor in the foreign policy behavior of the state of Israel. Hence, the main hypothesis is the fact that Israel's foreign policy behavior has been more influenced by Netanyahu's cognitive system and leadership style. The conceptual/methodological framework used in this paper is Leadership Traits Analysis (LTA) proposed by Margaret G. Hermann with a focus on the Conceptual Complexity variable in this regard. The results of this study, which itself are the quantitative content analysis of Netanyahu's verbal material from 2009 to 2019; suggest that BIBI's low conceptual complexity and his black and white thinking to foreign policy with high belief in ability to control events, a high desire for power, and a strong distrust to others have shaped Netanyahu's aggressive and hawkish approach to Israeli foreign policy, which can be seen in exaggerating the Iranian threat and opposing to the idea of a Palestinian independent state.

**Keywords:** Netanyahu, Israel, Foreign Policy, Leadership Traits Analysis (LTA), Conceptual Complexity.

\* Corresponding Author: eslami.m@modares.ac.ir

**How to Cite:** Arabameri, J., Eslami, M., Mousavi Shafaei, S. M., Jamshidi, M. H. (2022), "The Impact of a Cognitive System of Political Elites on Israeli Foreign Policy: The Case of Benjamin Netanyahu", *Quarterly of Political Strategic Studies*, 11(42), 147-180. doi: 10.22054/QPSS.2021.61786.2871.

## تأثیر نظام ادراکی نخبگان سیاسی بر سیاست خارجی اسرائیل؛ مطالعه موردی: بنیامین نتانیاهو<sup>۱</sup>

|   |  |
|---|--|
| دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران | جواد عرب عامری        |
| دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران            | محسن اسلامی*          |
| دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران            | سید مسعود موسوی شفقائی  |
| دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران            | محمدحسین جمشیدی  |

### چکیده

بنیامین نتانیاهو اصلی‌ترین چهره صحنه سیاسی اسرائیل طی یک دهه گذشته به شمار می‌رود. از آنجایی که وی سهم مهمی در شکل دادن به رفتار و تصمیمات سیاست خارجی این رژیم در صحنه بین‌المللی داشته است، این پژوهش می‌کوشد سبک رهبری و خصایص شخصیتی وی را بعنوان یکی از عوامل تأثیرگذار و در عین حال مغفول مانده در تحلیل رفتار سیاست خارجی اسرائیل مورد بررسی قرار دهد. این رو فرضیه اصلی مقاله این است که رفتار سیاست خارجی اسرائیل طی یک دهه گذشته بیشتر متأثر از نظام ادراکی و سبک رهبری بنیامین نتانیاهو بوده است. چارچوب مفهومی و روشی مورد استفاده، روش تحلیل خصایص رهبری مارگارت هرمن با تکیه بر متغیر پیچیدگی مفهومی در آن است. نتایج این پژوهش که حاصل تحلیل محتوای کمی داده‌های گفتاری نتانیاهو طی بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ است، نشان می‌دهد سطح پایین پیچیدگی مفهومی و رویکرد سیاه و سفید به مسائل سیاست خارجی همراه با سطح بالای باور به توانایی کنترل رویدادها، تمایل بالا به قدرت و بی‌اعتمادی شدید به دیگران به رویکرد تهاجمی و بازصفتانه نتانیاهو در سیاست خارجی اسرائیل شکل داده است که نمود آن را می‌توان در بزرگ‌نمایی تهدید ایران و مخالفت با ایده تشکیل دولت مستقل فلسطینی مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: نتانیاهو، اسرائیل، سیاست خارجی، تحلیل خصایص رهبری، پیچیدگی مفهومی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تأثیر نظام ادراکی نخبگان سیاسی بر سیاست امنیتی اسرائیل (۲۰۰۹-۲۰۱۹)» در دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد.

\* نویسنده مسئول: eslami.m@modares.ac.ir

## مقدمه

رفتار سیاست خارجی دولت‌ها در نظام بین‌الملل به نقش و تاثیر عوامل و متغیرهای متعددی از جمله برداشت از تهدید، تهدیدات واقعی، منابع داخلی، قابلیت‌های نظامی و تسلیحاتی، وضعیت جغرافیایی، تجارب تاریخی، ایدئولوژی نظام سیاسی و تحولات محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی وابسته است. سطح و میزان تأثیر این متغیرها در شکل‌دهی به رفتار سیاست خارجی هر دولت متفاوت بوده و با گذشت زمان می‌تواند دچار تحول شود. در این رابطه یکی از موضوعاتی که دغدغه طیف وسیعی از پژوهشگران سیاست خارجی از جمله نگارندگان این مقاله می‌باشد، رفتار سیاست خارجی اسرائیل است.

بیشتر پژوهش‌های مرتبط با سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل، رفتار این رژیم را متأثر از مجموعه عوامل مادی (عینی) مانند تجارب تاریخی، محدودیت‌های جغرافیایی، قابلیت‌های نظامی، تحولات محیط منطقه‌ای و بین‌المللی و حمایت قدرت‌های بزرگ یا عوامل معنایی (ذهنی) مانند مذهب یهود، ایدئولوژی صهیونیسم و فرهنگ سیاسی اسرائیل می‌دانند. از بعد نظری نیز این پژوهش‌ها غالباً از منظر سطح تحلیل کلان یا ساختاری و با بهره‌گیری از نظریات جریان اصلی روابط بین‌الملل بویژه رویکردهای رئالیستی به تحلیل رفتار سیاست خارجی اسرائیل پرداخته و یا آنجایی که تاثیر منابع داخلی و متغیرهای سطح واحد را در شکل‌دهی به رفتار سیاست خارجی این رژیم موثر می‌دانند، عموماً تأکیدشان بر نقش متغیرهای غیرفردی مانند ایدئولوژی و ساختار نظام سیاسی داخلی است. این مسئله تا حدود زیادی به تجربه منحصر به فرد اسرائیل از نظر میزان احساس ناامنی و سطح بالای تهدیدات امنیتی این رژیم در منطقه خاورمیانه باز می‌گردد.

اسرائیل بعنوان دولت کوچکی که در پی اشغال اراضی اعراب در سرزمین فلسطین تحت قیمومت بریتانیا در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد تا نزدیک به سه دهه پس از آن درگیر پنج جنگ عمده با همسایگان عرب خود بوده است. در پرتو چنین سابقه تاریخی، متغیرهای خارجی از جمله محیط متخاصم منطقه‌ای به رفتار سیاست خارجی اسرائیل و رویکرد امنیتی این رژیم در امور خارجی شکل داده است. این در حالی است که طی یک دهه اخیر، وقوع تحولات منطقه‌ای از جمله انقلاب‌های عربی و سقوط دیکتاتورهای جهان عرب، تجزیه سودان، افتادن سوریه به ورطه جنگ داخلی، بهبود مناسبات تل‌آویو

با دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس و قرار گرفتن برنامه اتمی ایران تحت نظارت شدید بین‌المللی محیط امنیتی اسرائیل را به شکل بنیادی متحول نموده و نقش متغیرهای خارجی در شکل دادن به رفتار سیاست خارجی این رژیم را کمرنگ ساخته است. با این حال هیچ یک از تحولات فوق نه تنها در تغییر رفتار سیاست خارجی (امنیتی) اسرائیل تاثیر محسوسی نداشته است بلکه تقویت رویکرد امنیتی این رژیم در سیاست خارجی را نیز به دنبال داشته است. این رویکرد امنیتی را می‌توان در واقعیت‌هایی همچون قرار گرفتن در موقعیت تنها قدرت نظامی - هسته‌ای خاورمیانه، برخورداری از بالاترین بودجه‌های نظامی جهان به نسبت جمعیت و مساحت، روابط استراتژیک با ایالات متحده، انحصار در دریافت سلاح‌های استراتژیک (هوایماهای جنگی رادارگریز، زیردریایی‌های اتمی)، نظامی‌گری در کلیه سطوح اجتماعی، سهم بالای بخش نظامی در تولید ناخالص داخلی، دگرترین نظامی تهاجمی و پاسخ سخت (نظامی) به هرگونه تهدید بیرونی (گسترش حملات نظامی به سوریه و عراق) مشاهده کرد.

بنابراین با توجه به تحولات فوق پرسش این است که چه عواملی به رویکرد امنیتی در سیاست خارجی اسرائیل طی یک دهه گذشته شکل داده است؟ اسرائیل بعنوان یک دموکراسی پارلمانی فاقد قانون اساسی مدون است. با این حال به موجب قوانین اولیه مصوب مجلس موسسان این رژیم (کنست اول)، نخست وزیر بعنوان رهبر حزب (ائتلافی از احزاب) اکثریت در کنست مسئولیت تشکیل کابینه و اداره امور داخلی و روابط خارجی اسرائیل را بر عهده دارد. همچنین با وجود سیستم ائتلافی دولت اسرائیل و شکنندگی ائتلاف‌های احزاب سیاسی طی یک دهه گذشته که به کوتاه شدن عمر دولت‌ها و جابجایی پی در پی مقامات سیاسی منجر شده است، یکی از نخبگان سیاسی که توانسته بقای سیاسی و جایگاه خود را بعنوان قدرتمندترین فرد در ساختار سیاسی شکننده اسرائیل برای بیش از یک دهه حفظ نماید، بنیامین نتانیا هو است. وی طولانی‌ترین دوره نخست وزیری در تاریخ اسرائیل (پانزده سال و هشتاد و یک روز) را در اختیار داشته و دیدگاه‌هایش به شدت سیاست خارجی و امنیتی این رژیم را متاثر ساخته است. از این رو فرضیه اصلی مقاله این است که رویکرد امنیتی اسرائیل در سیاست خارجی طی یک دهه گذشته بیشتر متاثر از نظام ادراکی و سبک رهبری بنیامین نتانیا هو بوده است.

بنابراین این مقاله می‌کوشد در چارچوب رویکرد تحلیل خصایص رهبری<sup>۱</sup> مارگارت هرمن و متغیر پیچیدگی مفهومی<sup>۲</sup> در این نظریه، تأثیر نظام ادراکی و سبک رهبری نتانیاہو را در شکل‌دهی به رفتار اسرائیل در سیاست خارجی تبیین نماید. داده‌های مورد استفاده مقاله متشکل از آرا و مواضع خودجوش نتانیاہو در جلسات هفتگی کابینه، نشست‌های کنست و مصاحبه با رسانه‌های داخلی و بین‌المللی در ارتباط با مسائل سیاست خارجی و امنیت ملی اسرائیل در فاصله زمانی مارس ۲۰۰۹ (آغاز کابینه دوم نتانیاہو) تا آوریل ۲۰۱۹ (پایان کابینه چهارم نتانیاہو) است.

داده‌های مقاله تمامی از وب‌سایت وزارت امور خارجه اسرائیل بعنوان ارگان رسمی امور خارجی این رژیم که به زبان انگلیسی منتشر می‌شود استخراج شده است. نتایج کلی حاصل از این پژوهش به این شکل است که سطح پایین پیچیدگی مفهومی نتانیاہو در قیاس با میانگین رهبران جهانی که نمود آن را می‌توان در جهان‌بینی مبتنی بر نگرش دو قطبی (سیاه و سفید) به موضوعات سیاست خارجی و امنیت ملی مشاهده کرد همراه با سطح بالای باور به توانایی خود در کنترل رویدادها، میل زیاد به کسب قدرت و بی‌اعتمادی شدید به دیگران؛ مهمترین عوامل شکل‌دهنده به سبک رهبری و رویکرد تهاجمی نتانیاہو در سیاست خارجی بوده است که نمود آن را می‌توان در رفتار سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل تحت رهبری وی در قبال موضوعات منطقه‌ای بویژه برنامه اتمی ایران و ایده تشکیل دولت مستقل فلسطینی مشاهده کرد.

ساختار کلی مقاله به این شکل است که پس از مقدمه، ادبیات و پیشینه پژوهش در حوزه تحلیل خصایص رهبری و پیچیدگی مفهومی مورد بررسی قرار گرفته و سپس چهارچوب مفهومی و روش‌شناختی مقاله با تأکید بر رویکرد تحلیل خصایص رهبری تبیین می‌گردد. در ادامه، داده‌های گفتاری خودجوش نتانیاہو با استفاده از نرم‌افزار Profiler + مورد تحلیل محتوای کمی قرار گرفته و نتایج حاصل از این بررسی با میانگین سه گروه مرجع متشکل از ۲۸۴ رهبر جهان، ۱۵ رهبر انگلیس و آمریکا و ۴۶ رهبر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مقایسه و خصایص متمایز رهبری نتانیاہو ترسیم می‌گردد.

---

1. Leadership Traits Analysis (LTA)  
2. Conceptual Complexity

نگرش نتانیا هو به تهدید ایران و ایده تشکیل دولت مستقل فلسطینی و نتایج حاصل از این مطالعه بخش پایانی مقاله را در بر می‌گیرد.

### پیشینه پژوهش

پژوهش پیرامون رویکردهای ادراکی و پیچیدگی مفهومی در تحلیل سیاست خارجی با وجود کاربرد آن در تبیین و پیش‌بینی رفتار سیاست خارجی کشورها کمتر مورد اقبال پژوهشگران ایرانی بوده است. با این حال، پژوهش‌های متعددی در چارچوب این رویکرد و با محوریت شخصیت‌های سیاسی جهان در سطح بین‌المللی انجام شده است. بیشتر پژوهش‌های این حوزه مرتبط با مطالعه روسای جمهور آمریکا و نخست وزیران بریتانیا بوده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین آثار نگاشته شده در این حوزه بررسی می‌شود.

مقاله *برایان دیل و مایکل یانگ* (۲۰۰۰) با عنوان «پیچیدگی مفهومی روسای جمهور کارتر و کلینتون: تحلیل محتوای خودکار ثبات زمانی و منبع سوگیری» یکی از آثار مرتبط با رویکرد پیچیدگی مفهومی و تحلیل خصایص رهبری است. نویسندگان در این مقاله با گردآوری گفته‌های خودجوش و بیانات از پیش‌آماده جیمی کارتر و بیل کلینتون در قالب روش تحلیل محتوای خودکار<sup>۱</sup> می‌کوشند ثبات پیچیدگی مفهومی آن‌ها را در طول زمان با یکدیگر مقایسه نمایند. نتایج بدست آمده از این مقایسه حاکی از آن است که با وجود توانمندی رویکرد پیچیدگی مفهومی در سنجش تمایزات عمده بین افراد، امتیازات حاصل از بیانات خودجوش به شکل عمده‌ای متفاوت از امتیازات حاصل از بیانات از پیش‌آماده شده است.

در این زمینه *استفان دیسون* (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «سبک ادراکی و سیاست خارجی: تفکر سیاه و سفید مارگارت تاچر» می‌کوشد با استفاده از مدل پیچیدگی مفهومی، جهان‌بینی و سبک رهبری نخست وزیر اسبق انگلستان و واکنش‌های وی به مسائل سیاست خارجی را مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج این بررسی به این صورت است که تاچر از نظر پیچیدگی مفهومی در رتبه پایین‌تری از میانگین رهبران جهان و نخست وزیران انگلستان پس از ۱۹۴۵ قرار می‌گیرد. این بُعد از سبک ادراکی که با یک

جهان‌بینی خشن و سیاه و سفید همراه است به شدت تصمیمات سیاست خارجی تاجر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در پایان، نویسنده معتقد است شخصیت تاجر برای فهم دوران تصدی وی امری کلیدی بوده و او نمونه بارزی از اهمیت عامل فردی در سیاست خارجی است.

اثر دیگر در این زمینه مقاله *ای ادوارد یانگ* (۲۰۱۰) با عنوان «پیچیدگی مفهومی رهبران و تغییر سیاست خارجی: مقایسه سیاست خارجی بیل کلینتون و جرج دبلیو بوش در رابطه با چین» است. نویسنده در این مقاله استدلال می‌کند که سطح پیچیدگی مفهومی یک رهبر در کنار عوامل ساختاری و سطح واحد بر تمایل وی به تغییر مسیر سیاست خارجی در واکنش به شکست یک سیاست و انواع تغییراتی که او احتمالاً اعمال کند، تأثیر می‌گذارد. وی به منظور اثبات فرضیه خود در قالب دو مطالعه موردی - سیاست خارجی دولت کلینتون و سیاست خارجی دولت جرج دبلیو بوش در قبال چین - نشان می‌دهد که چگونه اختلاف در سطح پیچیدگی مفهومی این دو رئیس‌جمهور می‌تواند به توضیح سیاست خارجی متفاوت آن‌ها در قبال چین کمک نماید.

*عساف سینیور و کریستوفر فلدستون* (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیچیدگی مفهومی کم و سیاست خارجی ترامپ»، رفتار سیاست خارجی آمریکای ترامپ را محصول سبک رهبری وی که مبتنی بر یک جهان‌بینی توانگرسالارانه<sup>۱</sup> است، می‌دانند. نویسندگان با بکارگیری چارچوب تحلیل خصایص رهبری هرمن در رابطه با تعامل ترامپ با ناتو، او را بعنوان رئیس‌جمهوری با پیچیدگی مفهومی کم با خصایصی همچون کسب اطلاعات و مشاوره محدود، رویکرد تقابلی و غیرحساس نسبت به محیط و تمایل به نقض قوانین و هنجارهای بین‌المللی توصیف می‌کنند. نویسندگان نشان می‌دهند که پیچیدگی مفهومی پایین ترامپ که خود توسط یک جهان‌بینی غیردموکراتیک مبتنی بر اولویت بخشیدن به پول پشتیبانی می‌شود به یکی از مهمترین منابع ثبات در درون دولت ترامپ تبدیل شده است.

مقاله مشترک *استفان دایسون و الکساندرا رالی* (۲۰۱۴) با عنوان «باورهای عمومی و خصوصی رهبران سیاسی: صدام حسین در مقابل جمعیت و پشت درهای بسته»، یکی دیگر از آثار مرتبط با چارچوب پیچیدگی مفهومی و تحلیل خصایص رهبری است.

نویسندگان با طرح این پرسش که آیا می‌توان از سخنرانی‌های عمومی رهبران سیاسی برای تشخیص باورهای خصوصی آن‌ها استفاده کرد؟ مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های عمومی و خصوصی صدام حسین را برای تعیین نشانه‌های تعارض، کنترل و پیچیدگی مورد تحلیل محتوای کمی قرار داده و نتیجه می‌گیرند که بین جهان‌بینی خصمانه و منازعه‌آمیز صدام و برداشت وی از خود بعنوان یک بازیگر مهم سیاسی در حوزه‌های عمومی و خصوصی سازگاری وجود دارد. تفاوت عمده در نگرش پیچیده وی به امور بین‌الملل در حوزه خصوصی در مقایسه با موضع قاطعانه وی در حوزه عمومی بوده است.

مقاله گای زیو (۲۰۱۱) با عنوان «ساختار ادراکی و تغییر سیاست خارجی: تصمیم اسرائیل برای گفتگو با سازمان آزادی‌بخش فلسطین» یکی از معدود آثاری است که موضوع نقش نظام ادراکی نخبگان سیاسی و تغییر سیاست خارجی اسرائیل را بطور همزمان پوشش می‌دهد. نویسنده در این مقاله با استفاده از دو متغیر گشودگی ادراکی<sup>۱</sup> و پیچیدگی ادراکی<sup>۲</sup> ساختار ادراکی سه تن از نخست وزیران اسبق اسرائیل شامل اسحاق شامیر، اسحاق رابین و شیمون پرز را در رابطه با تغییر سیاست اسرائیل نسبت به سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) که به توافق صلح اسلو در سال ۱۹۹۳ منتهی شد، مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که شیمون پرز در میان سه رهبر مورد بررسی از نظر ادراکی بسیار باز و پیچیده بوده و در پذیرش گفتگو با ساف نسبت به اسحاق رابین سریعتر عمل نموده است. در حالی که شامیر از کمترین سطح گشودگی و پیچیدگی ادراکی برخوردار بوده و این سیاست را به طور کلی رد می‌کرد، پرز و تا حد کمتری رابین ثابت کرده‌اند که در مقایسه با شامیر بیشتر به تغییرات بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی حساس بوده‌اند.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش باید یادآور شد که این مقاله از دو بعد نسبت به موضوعات مشابه خود نوآورانه محسوب می‌شود: ابتدا در بیشتر آثار مشابه غلبه با متغیرهای ساختاری (کلان) و استفاده از نظریه‌های جریان اصلی بوده و تاکید بر متغیرهای خرد و روانشناسانه و استفاده از نظریه‌های ادراکی در تحلیل سیاست خارجی تا حد زیادی مورد غفلت پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. دوم استفاده از روش تحلیل

---

1. Cognitive Openness  
2. Cognitive Complexity



محتوای کمی و داده‌های آماری در شرایط غلبه رویکردهای کیفی و تفسیری در مقالات مشابه که امکان مقایسه و سنجش نتایج آن‌ها را دشوار می‌سازد.

### ۱. چارچوب مفهومی و روش‌شناختی؛ تحلیل خصایص رهبری

یکی از رویکردهای اصلی تحلیل سیاست خارجی که در دهه ۱۹۷۰ تحت تأثیر انقلاب شناختی<sup>۱</sup> در علوم اجتماعی و در واکنش به نادیده‌گرفتن نقش و جایگاه کارگزاران انسانی (نخبگان سیاسی) در سیاست خارجی مطرح گردید، رویکرد شناختی یا ادراکی است. در چارچوب این رویکرد افراد بعنوان کارگزاران اصلی سیاست خارجی در برخوردشان با پدیده‌های بیرونی اغلب به باورها، برداشتها، ارزش‌ها، عواطف، تمایلات سیاسی و ایدئولوژیک، سوابق تاریخی و خصایص شخصیتی خود متکی هستند. توجه به نقش و جایگاه کارگزاران انسانی (رهبران) بعنوان خردترین واحد تحلیل سیاست خارجی محصول پژوهش‌های نسل اول تحلیل‌گران سیاست خارجی در اواسط دهه ۱۹۵۰ در آمریکا است. تمرکز اصلی مطالعات در این دوره بر درون‌ملت- دولت‌ها و بطور مشخص در ارتباط با تصمیم‌گیران سیاسی قرار داشت. در این چارچوب از آنجایی که دولت‌ها مفهومی انتزاعی تلقی می‌شوند، نمی‌توانند نقش کارگزاری را ایفا نمایند. بنابراین تنها کارگزاران واقعی روابط بین‌الملل، افراد (رهبران) به شمار می‌آیند. افراد منشأ سیاست بین‌الملل و تغییرات در آن هستند، آن‌ها مالک ایده‌ها و سازنده هویت‌ها بوده و می‌توانند بر اساس هویت‌ها عمل نموده و آن‌ها را تغییر دهند (Hudson, 2013: 12).

یکی از چارچوب‌های مفهومی و روش‌شناختی ذیل رویکرد ادراکی در تحلیل سیاست خارجی که بر ساختار نظام باورهای نخبگان سیاسی متمرکز است، تحلیل خصایص رهبری است. در این بخش ابتدا تحلیل خصایص رهبری و مفاهیم اصلی آن بعنوان یکی از روش‌های با فاصله<sup>۲</sup> در مطالعات ادراکی سیاست خارجی معرفی و سپس کاربرست این روش برای تحلیل نظام ادراکی بنیامین نتانیاهو در سیاست خارجی اسرائیل توضیح داده می‌شود.

تصور دسترسی به رهبران سیاسی به منظور انجام آزمایش‌ها و مصاحبه‌های عمیق روانشناسی و روش‌های تحلیل شخصیت با هدف شناخت سبک رهبری و ویژگی‌های

---

1. Cognitive Revolution  
2. At-a-distance-techniques

فردی ایشان که خود بر نحوه اتخاذ تصمیمات در عرصه سیاست خارجی تاثیر گذار است، اگر نگوییم محال ولی بسیار دشوار به نظر می‌رسد. رهبران سیاسی نه تنها وقت و تحمل چنین رویه‌هایی را ندارند بلکه آن‌ها به شکل ذاتی نسبت به علنی شدن این نتایج که به لحاظ سیاسی می‌تواند خسارت بار باشد، محتاط هستند. در مطالعات مبتنی بر رویکردهای ادراکی و در شرایطی که دسترسی مستقیم و موثر به رهبران سیاسی برای پژوهشگران مقدور نیست، می‌توان از روش‌های با فاصله استفاده کرد. تمرکز بر گفته‌های رهبران و تحلیل محتوای واژگانی که آن‌ها بکار می‌برند، یکی از راه‌های ارزیابی وضعیت رهبران به شکل نظام‌مند و بدون نیاز به دسترسی مستقیم به آن‌ها است. در این چارچوب فرض اصلی این است کلماتی که افراد بر زبان می‌رانند، زاینده افکار آن‌ها است و افکار آن‌ها به نحوه رفتارشان شکل می‌دهد (Suedfeld et.al, 2003: 246).

در عصر شبکه‌های اجتماعی بیشتر آنچه که رهبران می‌گویند ثبت شده و به شکل آنلاین در دسترس است. همچنین استفاده از روش‌های تحلیل محتوای رایانه‌ای و برنامه‌های نرم‌افزاری بر خلاف روش‌های تحلیل محتوای دستی باعث کاهش هزینه و زمان لازم برای چنین تحلیل‌هایی شده و در عین حال قابلیت اطمینان نتایج آن را افزایش داده است. از جمله روش‌های با فاصله تحلیل سبک و ویژگی‌های فردی نخبگان سیاسی، روش تحلیل خصایص رهبری است که توسط مارگارت هرمن توسعه داده شده است. تمرکز اصلی این روش بر تحلیل محتوای کمی گفته‌های رهبران سیاسی به منظور فهم باورها، انگیزه‌ها و خصایص شخصیتی آن‌ها است. هرمن در چارچوب این روش که حاصل سال‌ها مطالعات وی پیرامون سبک‌های رهبری شخصیت‌های سیاسی جهان طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بوده است، رهبران سیاسی را به گروه‌های مختلف از حیث نحوه واکنش آن‌ها نسبت به محدودیت‌های محیطی (همراهی یا تقابل)، ورود اطلاعات جدید (باز یا بسته) و انگیزه برای اقدام (تمرکز بر حل مسئله یا روابط با دیگران)، دسته‌بندی می‌کند (Hermann, 2003: 185). با کشف سبک رهبری یک فرد می‌توان از آن برای ارزیابی گزاره‌های مربوط به رابطه بین فرد و سیاست خارجی استفاده کرد.

جدول ۱- سبک رهبری به مثابه تابعی از پاسخگویی به محدودیت‌ها، بازبودن نسبت به اطلاعات و انگیزه برای اقدام

| انگیزه برای اقدام  |  | باز/ بسته نسبت به اطلاعات | حساسیت به محدودیت‌های محیطی |
|--|--|---------------------------|-----------------------------|
| تمرکز بر روابط   | تمرکز بر حل مسئله  |                           |                             |
| تبشیرگرا<br>(تمرکز توجه بر ترغیب دیگران برای پیوستن به ماموریت خود، بسیج دیگران حول پیام فرد)  | توسعه‌گرا<br>(تمرکز توجه بر گسترش دامنه کنترل رهبر، حکومت و دولت)  | بسته نسبت به اطلاعات      | تقابل با محدودیت‌ها         |
| رهنمود دهنده<br>(تمرکز بر حفظ خود و وضعیت دولت و پذیرش دیگران از طریق انجام اقداماتی در سطح جهانی که باعث افزایش اعتبار دولت می‌شود)                               | مستقل فعال<br>(کانون توجه بر حفظ قدرت مانور و استقلال خود و دولت در جهانی که تصور می‌شود به طور مداوم سعی در محدودکردن هر دو دارد)   | باز نسبت به اطلاعات       | تقابل با محدودیت‌ها         |
| متنفذ<br>(تمرکز بر ساخت روابط همکارانه با سایر حکومت‌ها و دولت‌ها به منظور ایفای نقش رهبری، فرد با همکاری با دیگران می‌تواند بیش از آنچه که ممکن است به دست آورد). | مترقی<br>(تمرکز بر بهبود اقتصاد یا امنیت دولت با گام‌های فزاینده، ضمن جلوگیری از موانعی که به ناچار در طول مسیر به وجود می‌آیند).  | بسته نسبت به اطلاعات      | همراهی با محدودیت‌ها        |
| همکارانه<br>(تمرکز بر حل اختلافات و اجماع‌سازی، کسب اعتبار و منزلت از طریق توانمندسازی دیگران و تقسیم مسئولیت).  | فرصت‌طلب<br>(تمرکز بر ارزیابی آنچه که در موقعیت و زمینه فعلی امکان‌پذیر است، با توجه به آنچه که فرد خواهان دستیابی به آن است و در نظر گرفتن آنچه که به او اجازه خواهند داد). | باز نسبت به اطلاعات       | همراهی با محدودیت‌ها        |

Source: (Hermann, 2003: 185)

## مفاهیم و رمزگان روش تحلیل خصایص رهبری

مارگارت هرمن در روش تحلیل خصایص رهبری نظریه‌های روانشناسی ادراکی و شخصیت را به هفت خصیصه شخصیتی شامل: ۱- باور به توانایی خود در کنترل رویدادها، ۲- نیاز به قدرت، ۳- پیچیدگی مفهومی، ۴- اعتماد به نفس، ۵- تمرکز بر انجام وظیفه، ۶- بی‌اعتمادی به دیگران و ۷- داشتن تعصب درون‌گروهی ترجمه می‌کند (Hermann, 2003: 184). سپس وی از این هفت خصیصه به منظور ساخت نمایه شخصیتی نخبگان سیاسی بهره می‌گیرد. پژوهشگران با توجه به این هفت خصیصه، محتوای گفتاری رهبران اعم از مصاحبه‌ها، سخنرانی‌های عمومی و غیره را تجزیه و تحلیل، کدگذاری و نمره‌دهی نموده و از آن برای ساخت نمایه‌های دقیق شخصیتی رهبران استفاده می‌کنند. به بیان دیگر، ابزارهای تحلیل محتوای با فاصله از جمله تحلیل خصایص رهبری معطوف به محاسبه نمره یک شخصیت سیاسی در یک ویژگی خاص و مقایسه آن با میانگین گروه مشابهی از رهبران است تا مشخص شود که آیا در آن ویژگی خاص در جایگاهی بالاتر یا پایین‌تر قرار گرفته و یا اینکه امتیاز وی در مقایسه با گروه مرجع کم و بیش نرمال محسوب می‌شود.

جدول ۲- مفهوم‌سازی و کدگذاری صفات رهبری

| شیوه کدگذاری   | تعریف   | علامت اختصاری | خصیصه                             |
|--|---|---------------|-----------------------------------|
| درصد افعال منعکس‌کننده اقدام یا برنامه‌ریزی برای اقدام توسط رهبر یا گروه مربوطه.   | برداشت از جهان به مثابه محیطی که رهبر می‌تواند بر آن اعمال نفوذ کرده و درک رهبر از کشور خود به مثابه یک بازیگر مهم در نظام بین‌الملل. | BACE          | باور به توانایی در کنترل رویدادها |
| درصد استفاده از کلماتی مانند تقریباً، احتمالاً و... در پیچیدگی زیاد و کلماتی مانند قطعاً، مطمئناً، بدون شک و... در پیچیدگی کم. | قابلیت تشخیص ابعاد مختلف محیط هنگام توصیف بازیگران، مکان‌ها، ایده‌ها و موقعیت‌ها.   | CC            | پیچیدگی مفهومی                    |

ادامه جدول ۲-

| شيوه کدگذاری   | تعريف  | علامت اختصاری | خصیصه                |
|--|--|---------------|----------------------|
| درصد استفاده از اسامی نمایانگر عدم اطمینان و سوءظن نسبت به دیگرانی که قصد آسیب‌زدن به رهبر یا گروه (کشور) مربوطه را دارند.   | شک و تردید داشتن نسبت به دیگران.   | DST           | بی‌اعتمادی به دیگران |
| درصد ارجاع رهبر به گروه (کشور) متبوع خود با کلماتی مانند موفق، کامیاب، عالی؛ نمایش قدرت با کلماتی مانند قدرتمند، توانمند یا نیاز به حفظ هویت گروهی (ملی) با عبارتهایی مانند دفاع از مرزهای خود، سیاست‌هایمان را خود تعیین می‌کنیم. | برداشت از گروه (کشور) خود به عنوان دارنده نقش محوری همراه با احساسات شدید هویت و غرور ملی.         | IGB           | تعصب درون‌گروهی      |
| درصد افعالی که اعمالی از قبیل حمله، هشدار، نفوذ رفتار و اعتبار دیگران را منعکس می‌کند.   | نگرانی نسبت به کسب، حفظ و اعاده قدرت بر دیگران.  | PWR           | نیاز به قدرت         |
| درصد استفاده از ضمائر شخصی در رابطه با خود از قبیل مال من، خودم، من (در حالت فاعلی)، من (در حالت مفعولی) و متعلق به من که نشانه درک گوینده از خود به مثابه محرک یک عمل، یک شخصیت معتبر یا یک گیرنده پاداش مثبت است.                | تصویر فردی از اهمیت خود در اصطلاح توانایی ارتباط برقرار کردن با محیط.                              | SC            | اعتماد به نفس        |
| درصد کلمات مرتبط با فعالیت‌های ابزاری مانند دستاورد، طرح و پیشنهاد در مقابل دغدغه برای احساسات و خواسته‌های دیگران مانند همکاری، عفو و قدردانی.  | تمرکز نسبی بر حل مسئله در برابر حفظ رابطه با دیگران. نمره بالاتر نشان‌دهنده مسئله محوری بیشتر است. | TASK          | تمرکز بر انجام وظیفه |

Source: (Hermann, 2003)

### پیچیدگی مفهومی

پژوهشگران حوزه مطالعات ادراکی به لحاظ تجربی اثبات کرده‌اند که از بین خصایص هفت‌گانه رهبری که در بالا به آن اشاره شد، خصیصه پیچیدگی مفهومی تأثیر قابل

توجهی بر الگوهای پردازش اطلاعات و حساسیت‌های یک رهبر نسبت به زمینه‌های محیطی بر جای می‌گذارد. پیچیدگی مفهومی به درجه تفکیک و تمایزی که افراد (رهبران) در توصیف سایر افراد، مکان‌ها، سیاست‌ها و ایده‌ها از خود نشان می‌دهد اشاره دارد. افراد و رهبران دارای سطوح بالاتری از پیچیدگی مفهومی با دارا بودن الگوهای متعدد، نگاه متفاوتی نسبت به جهان دارند. این افراد واقعیات را از طریق یک منشور چندبعدی درک می‌کنند. آن‌ها قبل از اتخاذ تصمیم تمایل به کسب اطلاعات بیشتر و مرور دوباره تصمیمات پیشین و مقدماتی خود دارند. چنین رهبرانی از سیستم‌های مشاوره و پردازش اطلاعات بازتری برخوردار بوده و در اتخاذ تصمیمات اتکای بیشتری بر مشاوران خود دارند. در مقابل، افراد دارای سطوح پایین‌تری از پیچیدگی مفهومی اغلب به چند اصل و باور محدود متکی بوده و اطلاعات دریافتی را به شکل گزینشی درک یا تغییر داده تا با زمینه‌های ادراکی‌شان سازگار بماند. رهبران دارای سطوح پایینی از پیچیدگی مفهومی تمایل دارند با ساده‌سازی محرک‌های محیطی، جهان خارج را به دسته‌بندی‌های اغلب دوتایی خود و دیگری، دوست و دشمن و خیر و شر تقسیم نموده و به ندرت در تصمیمات گذشته خود تجدیدنظر می‌کنند (Preston, 2001: 9-10).

رهبران دارای پیچیدگی مفهومی کم با استفاده از سیستم‌های مشاوره و اطلاعات محدود تصمیمات قاطعانه‌تری می‌گیرند. آن‌ها کمتر به نظرات بین‌المللی حساس بوده و اغلب با نقض قواعد بین‌المللی اقدامات تقابلی جویانه‌ای را دنبال می‌کنند. چنین رهبرانی معمولاً از سطح بالایی از بی‌اعتمادی به دیگران و نیاز بیشتری به قدرت برخوردارند. این افراد دارای گرایش‌های شدید ملی‌گرایانه بوده و معتقدند که کنترل کاملی بر رویدادهایی که در آن دخیل‌اند داشته و در نتیجه در سیاست خارجی دارای رفتاری تهاجمی و اصطلاحاً بازصفتانه<sup>۱</sup> هستند. در مقابل، رهبرانی که از سطح بالایی از پیچیدگی مفهومی برخوردارند معمولاً دارای گرایش‌های ملی‌گرایانه محدودتر، سطح بالاتری از اعتماد به دیگران و احتمالاً باور کمتری به توانایی‌های خود در کنترل رویدادهایی که در آن دخیل‌اند داشته و در نتیجه دارای رفتاری متساهلانه و اصطلاحاً کبوترصفتانه<sup>۲</sup> در سیاست خارجی می‌باشند (Hermann, 1980: 8). روش تحلیل خصایص رهبری میزان

---

1. Hawkish  
2. Dovish

پیچیدگی مفهومی یک رهبر را در مقیاسی بین صفر (پیچیدگی مفهومی کم) و یک (پیچیدگی مفهومی زیاد) اندازه‌گیری می‌کند. از این مقیاس می‌توان برای سنجش پیچیدگی مفهومی در بین رهبران مختلف استفاده کرد.

### تحلیل داده‌ها

در تحلیل محتوای گفته‌های رهبران سیاسی می‌بایست بین دو دسته از این داده‌های گفتاری تفکیک قائل شد: ابتدا بیانات از پیش آماده مانند سخنرانی‌های رسمی و سپس بیانات خودجوش<sup>۱</sup> مانند مصاحبه با رسانه‌ها. از آنجایی که بخش عمده سخنرانی رهبران سیاسی توسط مشاوران و کارکنان ستادی آنها تهیه می‌شود، این دسته از بیانات عمومی رهبران ممکن است اهداف، انگیزه‌ها و نیت اصلی آنها را سهواً یا به شکل عامدانه پنهان ساخته و نمایانگر خصایص و سبک شخصیتی گوینده آن نباشند. بنابراین، تحلیل خصایص رهبری با تمرکز بر بیانات خودجوش رهبران به محتوای نهفته در این بیانات و نحوه کاربرد کلمات بجای توجه به محتوای ظاهری آنها توجه می‌کند. مصاحبه با رسانه‌ها یکی از منابع خودجوش محسوب می‌شود. در هنگام پرسش و پاسخ، رهبران باید سریعاً و بدون استفاده از یاری مشاوران، خود پاسخ دهند. بنابراین در بیانات خودجوش خصایص شخصیتی آنها بر ماهیت پاسخ و نحوه بیان آنها تأثیر می‌گذارد. اگرچه قبل از مصاحبه با رسانه‌ها روند آماده‌سازی رهبران سیاسی انجام می‌شود ولی در طول مصاحبه، رهبران خودشان هستند و پاسخ‌های آنها نسبتاً خودجوش است. رهبران سیاسی در یک مصاحبه در مقایسه با یک سخنرانی رسمی معمولاً کنترل کمتری بر آنچه که می‌گویند داشته و ممکن است شواهد بیشتری از خصایص شخصیتی خود بروز دهند (Hermann, 2002: 2-3).

به منظور عملیاتی کردن خصایص رهبری در نظام ادراکی نتانیاها، داده‌های گفتاری و بیانات خودجوش وی شامل (مصاحبه با رسانه‌ها، سخنرانی در جلسات هفتگی کابینه و مذاکرات کنست) در قالب ۶۱۶ رویداد و ۲۹۰۳۶۵ واژه طی بازه زمانی مارس ۲۰۰۹ تا سپتامبر ۲۰۱۹ از وب‌سایت رسمی وزارت امور خارجه اسرائیل استخراج و هر یک از خصایص رهبری وی با استفاده از نرم‌افزار Profiler+ در مقیاسی بین صفر (۰) و یک

---

1. Spontaneous

(۱) مورد تحلیل محتوای کمی قرار گرفت (برای آگاهی از شیوه تحلیل و کدگذاری داده‌ها به جدول شماره ۲ مراجعه شود). یکی از ارزش‌های کاربرد گسترده روش تحلیل خصایص رهبری، فراهم‌بودن امکان مقایسه نتایج حاصل از بررسی خصایص هر رهبر جدید در برابر داده‌های گروه‌های مرجعی است که پیش از آن ساخته شده است. در همین زمینه، نتایج حاصل از بررسی خصایص رهبری بنیامین نتانیاهو با داده‌های حاصل از بررسی سه گروه مرجع شامل ۲۸۴ رهبر جهان، ۱۵ رهبر آمریکا- انگلیس و ۴۶ رهبر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل محتوای کمی را می‌توان در جدول شماره ۳ مشاهده کرد.

جدول ۳ - نتایج حاصل از تحلیل خصایص رهبری بنیامین نتانیاهو در قیاس با سه گروه مرجع

| خصایص هفت‌گانه                 | میانگین ۲۸۴ رهبر جهان | انحراف استاندارد | میانگین ۱۵ رهبر انگلیس- آمریکا | انحراف استاندارد | میانگین ۴۶ رهبر منطقه منا | انحراف استاندارد | بنیامین نتانیاهو |
|--------------------------------|-----------------------|------------------|--------------------------------|------------------|---------------------------|------------------|------------------|
| باور به توانایی کنترل رویدادها | ۰/۳۵                  | ۰/۰۵             | ۰/۳۶                           | ۰/۰۴             | ۰/۳۳                      | ۰/۰۶             | ۰/۴۱             |
| پیچیدگی مفهومی                 | ۰/۵۹                  | ۰/۰۶             | ۰/۶۰                           | ۰/۰۵             | ۰/۵۶                      | ۰/۰۸             | ۰/۵۲             |
| بی‌اعتمادی به دیگران           | ۰/۱۳                  | ۰/۰۶             | ۰/۱۲                           | ۰/۰۳             | ۰/۱۶                      | ۰/۰۷             | ۰/۱۹             |
| تعصب درون گروهی                | ۰/۱۵                  | ۰/۰۵             | ۰/۱۳                           | ۰/۰۳             | ۰/۱۵                      | ۰/۰۶             | ۰/۱۵             |
| نیاز به قدرت                   | ۰/۲۶                  | ۰/۰۵             | ۰/۲۴                           | ۰/۰۴             | ۰/۲۷                      | ۰/۰۶             | ۰/۳۲             |
| اعتماد به نفس                  | ۰/۳۶                  | ۰/۱۰             | ۰/۴۵                           | ۰/۰۸             | ۰/۳۱                      | ۰/۱۳             | ۰/۳۹             |
| تمرکز بر انجام وظیفه           | ۰/۶۳                  | ۰/۰۷             | ۰/۶۲                           | ۰/۰۶             | ۰/۵۸                      | ۰/۰۶             | ۰/۵۵             |

منبع: داده‌های مربوط به سه گروه مرجع در تماس نگارنده با پروفسور مارگارت هرمن و مایکل یانگ از ایشان دریافت گردید.



### خصایص رهبری بنیامین نتانیاھو

جدول شماره ۳ نمرات بدست آمده از تحلیل خصایص رهبری بنیامین نتانیاھو را در قیاس با گروه‌های مرجع که از روش‌شناسی مشابهی برای محاسبه آن‌ها استفاده شده است را نشان می‌دهد. این گروه‌های مرجع مبنای راهنمایی را ایجاد می‌کنند که بر طبق آن می‌توان خصایص فردی نتانیاھو را ارزیابی نمود. طبق دیدگاه هرمن نمرات افراد در هفت خصیصه فوق را باید بر اساس اینکه نمره آن خارج از یک انحراف استاندارد از میانگین گروه مرجع مربوطه است، بالاتر یا پایین‌تر در نظر گرفت (Hermann, 2003: 186). طبق نتایج حاصله، نتانیاھو در قیاس با گروه مرجع رهبران جهان و رهبران آمریکا- انگلیس در پنج خصیصه شخصیتی و در قیاس با گروه مرجع رهبران منطقه منا در یک خصیصه شخصیتی متمایز می‌شود. در ادامه، ابعاد متمایز شخصیتی نتانیاھو که می‌تواند در رفتار سیاست خارجی نمود پیدا کند به اختصار توضیح داده می‌شود. خصایص شخصیتی که در این بررسی نتانیاھو را در قیاس با شخصیت‌های سیاسی گروه‌های مرجع متمایز می‌سازد عبارتند از: باور زیاد به توانایی کنترل رویدادها، پیچیدگی مفهومی پایین، نیاز بیشتر به قدرت، بی‌اعتمادی زیاد به دیگران و تمرکز کم بر انجام وظیفه. ذکر این نکته لازم است که آگاهی از دو خصیصه دیگری که بر اساس آن نتانیاھو به سایر رهبران گروه‌های مرجع شباهت دارد در جای خود معنادار است اما منطق تحلیل سطح فردی این است که تفاوت‌ها برای نتایج مهم بوده و ماهیت این تمایزات را بعنوان عامل تبیینی اساسی در نظر می‌گیرند (Dyson, 2006: 294).

### باور زیاد به توانایی خود در کنترل رویدادها

نمره کسب شده توسط نتانیاھو در خصیصه باور به توانایی در کنترل رویدادها  $0/41$  است که با در نظر گرفتن نسبت انحراف استاندارد به میانگین هر سه گروه مرجع رهبران جهان  $(0/35 \pm 0/05)$ ، رهبران آمریکا- انگلیس  $(0/36 \pm 0/04)$  و رهبران منطقه منا  $(0/33 \pm 0/06)$  نمره بالایی (بیش از یک انحراف استاندارد) را کسب کرده است. درجه بالای نتانیاھو در باور به توانایی خود در کنترل رویدادها نشان‌دهنده میزان کنترل ذهنی وی بر محیط سیاسی است. رهبرانی مانند نتانیاھو که در این ویژگی

نمره بالایی کسب می‌کنند معتقدند که در رابطه با فضای سیاسی، فرد کارآمدی بوده و دولت خود را به مثابه یک بازیگر سیاسی تاثیرگذار در سطح جهانی تصور می‌کنند. زمانی که این خصیصه با سطح بالایی از نیاز به قدرت همراه شود، یک رهبر محدودیت‌های موجود در نظام بین‌الملل را به چالش کشیده و جهت‌گیری‌های توسعه‌طلبانه‌ای از خود به نمایش می‌گذارد. رهبرانی که از سطح بالایی از باور به توانایی کنترل رویدادها برخوردارند در فرایند تصمیم‌گیری بیشتر متمایل به اتخاذ راه‌حل‌های سیاسی پیشگیرانه (حملات پیش‌دستانه) بوده و روندهای تصمیم‌گیری کمتر مشورتی را ترجیح می‌دهند. با وجود نمره بالای نتانیاها در خصیصه باور به توانایی خود در کنترل رویدادها، می‌توان از وی اتخاذ یک موضع سیاسی پیشگیرانه همراه با دادن وزن کمتر به محدودیت‌های محیطی در محاسبات سیاسی را انتظار داشت.

بنیامین نتانیاها تاکنون چهار بار به نخست‌وزیری اسرائیل انتخاب شده است. از این نظر در طول تاریخ هفتاد و سه ساله دولت یهود با بیش از پانزده سال سابقه، طولانی‌ترین دوره نخست‌وزیری را به نام خود ثبت کرده است که در جای خود نشانه توانایی وی در تاثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی داخلی و بین‌المللی اسرائیل است. نتانیاها اغلب خود را برتر از دیگران و سیاستمداری با استعداد تصور کرده و از خود بعنوان «برترین استراتژیست کشور» یاد می‌کند. در مقابل، افرادی که با او مخالف هستند را به نداشتن درکی درست از روندهای سیاسی و تاریخی متهم می‌کند. برداشت اساسی وی این است که او این روندها را به درستی درک کرده و افرادی که متفاوت فکر می‌کنند، اشتباه می‌کنند. موفقیت فردی برای او بیش از ایدئولوژی دارای اهمیت است به طوری که همواره در سخنان خود سرنوشت ملت یهود را به سرنوشت خود پیوند می‌زند (Kimhi & Yehoshua, 2017: 2).

بنا به ادعای مؤیر داگان، رئیس اسبق سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد)، و تنها فردی که به شکل علنی در درون کابینه اسرائیل با او به مخالفت برخاست؛ «نتانیاها نخست‌وزیری است که منافع فردی خود را بر منافع دولت اسرائیل اولویت داده و تصور می‌کند از نواخ جهان است در حالی که نمی‌داند واقعا چه می‌خواهد». وی در رابطه با طرح نتانیاها برای انجام حملات پیش‌دستانه علیه تاسیسات اتمی ایران معتقد است او تنها کسی بود که به طور جدی دنبال عملی کردن ایده خود بود در حالی

که مخالفت با این تصمیم شخصی نبود و کل سرویس امنیتی دیدگاه او را نپذیرفت (Times of Israel, 2016).

نتانیاها همواره تصویری مسیح‌گونه از خود بعنوان فردی که به منظور نجات یهودیان از هولوکاست جدید فراخوانده شده است، ارائه می‌دهد (Moughty, 2016). او فکر می‌کند هیچ کس بهتر از او نمی‌تواند خطر را درک کند. نتانیاها واقعا باور دارد که کسی جز او از ویژگی‌های تاریخی، فکری و ذهنی که بتواند همه قوای عاقل جهان را برای جلوگیری از وقوع هولوکاست دوم گرد هم آورد برخوردار نیست (Caspit, 2017: 221). نتانیاها از تحصیلات بالایی در قیاس با سایر سیاستمداران اسرائیلی بهره‌مند بوده و از توانایی بالایی برای تفکر تحلیلی و تصویری برخوردار است. وی در طیف وسیعی از موضوعات (تاریخ، هنر و کسب و کار) مطالعه داشته و علاقه‌مند است از کتاب‌هایی که خوانده به طور دقیق نقل قول و با ارجاع به شخصیت‌های برجسته تاریخی از نظرات خود حمایت کند. نتانیاها توانایی بالایی در سخنوری و بیان عقاید خود به شکل استدلالی داشته و بیش از هر سخنگویی در دولت اسرائیل به دلیل تسلط بالا به زبان انگلیسی می‌تواند مواضع اسرائیل را به مخاطبان انگلیسی زبان منتقل کند (Kimhi, 2001: 213).

### پیچیدگی مفهومی کم / تفکر سیاه و سفید

نمره کسب شده توسط نتانیاها در خصیصه پیچیدگی مفهومی بعنوان مهمترین خصیصه در شناخت سبک رهبری وی  $0/52$  است که با در نظر گرفتن نسبت انحراف استاندارد به میانگین گروه مرجع رهبران جهان  $(0/59 \pm 0/06)$  و رهبران آمریکا-انگلیس  $(0/60 \pm 0/05)$  در موقعیت پایین‌تری قرار داشته و در قیاس با میانگین رهبران منطقه منا  $(0/56 \pm 0/08)$  نزدیک به متوسط قرار می‌گیرد. رهبرانی مانند نتانیاها که از پیچیدگی مفهومی کمتری به نسبت میانگین رهبران جهانی برخوردارند عموماً دارای نگرش سیاه و سفید نسبت به رویدادها و بازیگران عرصه سیاست خارجی هستند. آن‌ها معمولاً از الگوهای نسبتاً ساده‌ای مبتنی بر طبقه‌بندی دوتایی (خیر و شر، خود و دیگری) در محاسبات سیاسی خود بهره برده و بر مبنای فاکتورهای محدودی از عوامل اصلی تصمیم می‌گیرند. چنین رهبرانی اغلب تمایل به

تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات محدود و عدم درک یا تمایل به تخفیف اطلاعاتی دارند که با مبانی ادراکی‌شان سازگار نیست. از نظر پیوند پیچیدگی مفهومی با خروجی‌های سیاست خارجی، چنین رهبرانی خود را نسبت به اتخاذ یک سیاست خارجی تهاجمی متعهد می‌دانند (Hermann, 1980: 40). با کسب نمره کمتر نتایج در خصیصه پیچیدگی مفهومی می‌توان از وی یک سبک ساده پردازش اطلاعات و تلاش برای ساده‌سازی فضای تصمیم‌گیری با تاکید بر دسته‌بندی‌های دوتایی همراه با احتمال کمی از امکان تجدیدنظر در سیاست‌های اصلی را انتظار داشت. وی معتقد است که بازی سیاست بر مبنای قوانین جنگل اداره می‌شود، جایی که قوی زنده مانده و ضعیف از بین می‌رود. از نظر نتایج دستیابی به هدف، استفاده از هر وسیله‌ای را توجیه می‌کند. این رویکرد سیاه و سفید که ریشه در سطح پایین پیچیدگی مفهومی نخست وزیر اسرائیل دارد، هم در رفتار و هم در اظهارات وی نمایان است. نتایج تقریباً در هیچ یک از اظهاراتش اشاره‌ای به ضرورت تلاش برای نگرستن به مسائل از منظری متفاوت نمی‌کند. بعنوان نمونه وی در دیدار با همتای هلندی خود در ۶ سپتامبر ۲۰۱۶ چنین اظهار نظر می‌کند:

«امروز نبرد سرنوشت‌سازی در سراسر جهان، بین نیروهای صلح و نیروهای وحشت، بین نیروهای دموکراسی و نیروهای استبداد، بین مدرنیته و قرون وسطی‌گرایی در جریان است. اسرائیل و هلند در کنار یکدیگر برای صلح، دموکراسی و مدرنیته ایستاده‌اند. ما با هم در برابر ترور، استبداد و قرون وسطی ایستاده‌ایم» (Israel MFA, 2016).

یکی از تاکتیک‌های مورد استفاده نتایج که نشان از پیچیدگی مفهومی کم و رویکرد تهاجمی وی در سیاست خارجی دارد، دستکاری روایت‌های تاریخی در راستای اهداف سیاسی خود است. از دیدگاه نتایج واقعه هولوکاست، تنها یک واقعیت مبتنی بر شواهد تاریخی نیست بلکه یک وضعیت دائمی است. این روایتی از تاریخ سیاسی است که تیموتی اسنایدر، مورخ دانشگاه ییل، آن را سیاست ابدیت<sup>۱</sup> می‌نامد که در آن واقعیت به گونه‌ای تغییر می‌یابد تا متناسب با نیازهای رهبر شود. نتایج از این روایت تاریخی برای ساخت سیاست خارجی خود و ایجاد فضای وحشت

دائمی در اسرائیل استفاده می‌کند (Leslie, 2017: 78). بعبارت دیگر وی احساس می‌کند که فقط با حفظ و مدیریت فاجعه احتمالی می‌توان از آگاهی سیاسی جمعی بعنوان عامل اصلی همگرایی قوم یهود محافظت کرد. بنابراین نتانیاهو به شکل دائمی در حد فاصل بین پرورش یک فاجعه احتمالی تا جلوگیری از وقوع آن در حرکت بوده و بقای یهودیان را در یک وضعیت اضطرار دائمی نگاه می‌دارد (Ben Zaken, 2015). در کانون این نگرش، دو موضوع تلاش برای متوقف کردن برنامه اتمی ایران و جلوگیری از تشکیل کشور مستقل فلسطینی به محور اصلی سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل تحت رهبری نتانیاهو تبدیل شده است. در این راستا اقدامات وی بیشتر نشان‌دهنده تلاش برای مدیریت بحران به شکل مقطعی بوده است تا حل آن به شکل بنیادی. در ظاهر خواستار نابودی و دست کم توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران است ولی در عمل با هرگونه توافق جامعه جهانی از جمله توافق سال ۲۰۱۵ قدرت‌های جهانی با ایران مخالفت کرده و در جهت ناکام گذاردن آن تلاش می‌کند. در ظاهر از راه‌حل دو دولتی (اسرائیل- فلسطین) حمایت می‌کند، ولی در عمل اقدامات او در کرانه باختری (گسترش شهرک‌سازی) و باریکه غزه مغایر این نظر را نشان می‌دهد.

### نیاز بیشتر به قدرت

نمره کسب شده توسط بنیامین نتانیاهو در خصیصه نیاز به قدرت  $0/32$  است که در مقایسه با دو گروه مرجع رهبران جهان  $(0/26 \pm 0/05)$  و رهبران آمریکا-انگلیس  $(0/24 \pm 0/04)$  در موقعیت بالاتری (بیش از یک انحراف استاندارد) قرار داشته و در قیاس با میانگین رهبران منطقه منا  $(0/27 \pm 0/06)$  در موقعیت متوسط به بالا قرار می‌گیرد. نیاز به قدرت بعنوان یک عامل انگیزشی قوی در سبک رهبری دارای سابقه طولانی در مطالعات نخبگان سیاسی است (Winter, 1993).

خصیصه نیاز به قدرت که خود بر روانشناسی انگیزشی مبتنی است نشان‌دهنده انگیزه افراد برای کسب، حفظ یا بازیابی کنترل بر مردم، فرایند سیاستگذاری و نتایج آن است. رهبرانی مانند نتانیاهو که نیاز به قدرت بیشتری در خود احساس می‌کنند دغدغه فزاینده‌ای دارند که نتایج سیاستگذاری ضرورتاً بازتاب اولویت‌های آن‌ها باشد نه نتیجه یک تصمیم جمعی. از دیدگاه هرمن، چنین رهبرانی در ارزیابی وضعیت و

اطمینان از اینکه نتایج بازتاب اولویت‌هایشان باشد تبحر دارند. خصیصه نیاز به قدرت عامل اصلی در شکل‌دادن به فرایندهای تصمیم‌گیری و به طور خاص ایجاد اجماع بین این دسته از رهبران و گروه‌های مشورتی آنها است. رهبرانی که نیاز به قدرت بیشتری دارند معمولاً به فرایندهای مشاوره‌ای اجازه ظهور و بروز می‌دهند که مشارکت مداوم آنها را در تدوین، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها تسهیل کند. آنها تمایل دارند بحث و تصمیم را در درون حلقه درونی مشاورانی که ضرورتاً دارای مقام رسمی نیستند اما دارای همان ذهنیت بوده و به لحاظ شخصی به رهبر وابسته‌اند متمرکز سازند (Preston, 2001: 8).

با توجه به نمره بالای نتایج در خصیصه نیاز به قدرت این انتظار وجود دارد که وی در همه ابعاد شکل‌گیری سیاست‌ها دخیل بوده و فرایند مشاوره و تصمیم‌گیری را بر اساس گروه‌های کوچکی از افراد منتخب خود شکل داده و ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری مانند کابینه، وزارت خارجه و وزارت دفاع در بهترین حالت نقش تاییدکننده سیاست‌های او را داشته باشند. نتایج یک مدیر متمرکزگرا است که تمایل دارد به تنهایی کار کرده و دیگران را به شکل جزئی در فعالیت‌هایش دخیل نماید. اغلب با مشاوران اصلی و با تجربه مشورت نکرده و احساس نمی‌کند که ممکن است روزی به آنها نیاز داشته باشد. وی در اتخاذ تصمیمات حساس معمولاً وزرا و اعضای کابینه امنیتی اسرائیل را وارد نمی‌کند و در بهترین حالت پس از تصمیم‌گیری آنها را از نتیجه تصمیمات خود مطلع می‌سازد. برای نمونه وی در رابطه با توافق صلح با امارات متحده و تایید فروش جت‌های جنگی اف-۳۵ آمریکایی به این کشور، گابی اشکنازی، وزیر خارجه، و بنی گانتز، وزیر دفاع اسرائیل، را از مشاوره و تصمیم‌گیری در این باره کنار گذاشت (Melman, 2020).

نتایج معمولاً شخصاً وظایفی را به دستیاران خود محول نموده و به شکل مداوم درباره فعالیت‌هایشان از آنها گزارش می‌خواهد. کارکنانش باید منظم و به او وفادار باشند. سبک اداری نتایج تهاجمی است. برای او مهم است که در رأس بوده، نفوذ کرده و تسلط یابد. او نمودارهایی را بر روی تخته ترسیم نموده و عاشق ایفای نقش فرماندهی در اتاق جنگ است (Kimhi, 2001: 215). نتایج همواره از تیم مشاوران خود بالاترین سطح وفاداری را طلب نموده و با توجه به نگاه صرفاً ابزاری

وی، افرادی که اهمیت خود را برای او از دست داده‌اند را رها می‌کند. وی به طور معمول خود را با افرادی که با دیدگاه‌هایش موافق بوده و مثل او فکر می‌کنند احاطه کرده و افرادی که دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای مختلفی را ارائه کرده و با نظراتش موافق نیستند را از خود دور می‌کند (سیستم اطلاعات بسته). نتانیاهو به طور دائم از افرادی که برای پست‌های کلیدی منصوب می‌کند مانند نامزدهای ریاست موساد، وفاداری کاملی را طلب نموده و بنا به گفته افرادی که از نزدیک با او همکاری کرده‌اند، وفاداری افراد برای نتانیاهو بیش از تخصص آن‌ها دارای اهمیت است. به گفته دستیار سابقش این سبک رفتاری در بسیاری از انتصابات ناموفق و عدم وجود یک تیم هماهنگ که در طول سال با یکدیگر کار کرده و کسب تجربه کنند، وجود دارد (Kimhi & Yehoshua, 2017: 3). نتانیاهو بیش از هر نخست وزیری در اسرائیل خدمت کرده است. در طول سال‌ها، جاه‌طلبی او برای ماندن در رأس قدرت و اجازه ندادن به رقبای برای رسیدن به موقعیتی که جایگاه او را به خطر بیندازد، حتی به قیمت تغییرات شدید در مواضع سیاسی آشکار شده است. به نظر می‌رسد این باور در میان اعضای حزب لیکود که هیچ کس نمی‌تواند جای او را گرفته و هیچ یک از اعضا در حال حاضر تهدیدی برای رهبری او نیست در کنار عبارتی که وی در جریان یکی از جلسات کنست در سال ۲۰۱۵ بیان کرد به خوبی این حس جاه‌طلبی و میل سیری‌ناپذیر نتانیاهو به قدرت را نشان می‌دهد: «وقتی چیزی می‌خواهم، آن را به دست می‌آوردم!» (Israel MFA, 2015).

### بی‌اعتمادی شدید به دیگران

نمره کسب شده توسط بنیامین نتانیاهو در خصیصه بی‌اعتمادی به دیگران  $0/19$  است که با در نظر گرفتن نسبت انحراف استاندارد به میانگین گروه مرجع رهبران جهان ( $0/13 \pm 0/06$ ) و رهبران آمریکا-انگلیس ( $0/12 \pm 0/03$ ) در موقعیت بالاتری قرار داشته و در قیاس با میانگین رهبران منطقه منا ( $0/16 \pm 0/07$ ) در موقعیت متوسط به بالا قرار می‌گیرد. رهبرانی که از سطح بالای بی‌اعتمادی به دیگران برخوردارند معمولاً نسبت به اهداف و انگیزه‌های دیگران که مشخصاً مخالفان اهداف و ایدئولوژی‌شان هستند، بدگمان بوده و همواره در ورای اقدامات آن‌ها اهداف پنهان را

جستجو می‌کنند. احساس شدید سوءظن نسبت به دیگران که در موارد شدید به شکل پارانوئیا در افراد و رهبران سیاسی بروز می‌کند اغلب باعث می‌شود آن‌ها بیشتر به خود متکی بوده و کمتر به گروه مشاوران خود اعتماد نمایند. تفکر حاصل جمع جبری صفر و تغییر مداوم مشاوران و مدیران زیر دست از نموده‌های اساسی خصیصه بی‌اعتمادی شدید به دیگران نزد چنین رهبرانی است.

یکی از ویژگی‌های بارز نتانیاهو احساس سوءظن و بدگمانی شدید اوست. نتانیاهو احساس می‌کند تمام جهان علیه اوست و از این نظر بطور مداوم احساس قربانی شدن دارد. او به جهان بعنوان مکانی بی‌رحم که در آن جایی برای نوع دوستی، خیرخواهی و دوستی واقعی وجود نداشته و یک مبارزه دائمی داروینستی برای بقا در آن جریان دارد می‌نگرد. وی به همکاران سیاسی خود به مثابه رقیب نگریسته و از هر کسی که با او مخالفت کند انتقام می‌گیرد (Kimhi, 2001: 219). این احساس بدگمانی فردی نتانیاهو به واسطه باور زیاد به توانایی‌های خود در کنترل رویدادها به درک وی از ملت یهود و جایگاه اسرائیل در جهان نیز تسری یافته است. از دیدگاه نتانیاهو، یهودیان در میانه یک جهان متخاصم زندگی می‌کنند که هرگز حضور آن‌ها را به طور کامل نخواهد پذیرفت.

بنا به ادعای *ایال آراد*، از مشاورین سابق وی، در جهان‌بینی نتانیاهو این باور نهادینه شده است که هرگز برای نجات مردم یهود نمی‌توان به جهان خارج اعتماد کرد. آراد، ریشه این بی‌اعتمادی شدید را در تأثیرات بنزیون نتانیاهو، پدر نخست وزیر اسرائیل، بر او می‌داند (Moughty, 2016). وی بعنوان متخصص تاریخ یهود و تفتیش عقاید مذهبی در اسپانیای قرن پانزدهم و منشی شخصی ولادیمیر ژوبیتینسکی، بنیانگذار جنبش صهیونیسم تجدیدنظرطلب، بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری باورهای بنیادین نخست وزیر اسرائیل نسبت به واقعه تاریخی هولوکاست، پدیده یهودستیزی و همچنین نگاه وی به فلسطینیان و اعراب داشته است. نمود این تأثیر را می‌توان از یک سو در مخالفت با توافق صلح اسلو و جلوگیری از اعطای هرگونه امتیاز ارضی به فلسطینیان و ممانعت از تشکیل کشور مستقل فلسطینی و از سوی دیگر، تلاش برای تحکیم اتحاد صهیونیسم سیاسی با یک قدرت بزرگ (آمریکا) مشاهده کرد (Samsonov, 2019).



### تمرکز پایین بر انجام وظیفه

نمره کسب شده توسط نتانیاهو در خصیصه تمرکز بر انجام وظیفه 0/55 است که با در نظر گرفتن نسبت انحراف استاندارد به میانگین گروه مرجع رهبران جهان (0/63 ± 0/07) و رهبران آمریکا- انگلیس (0/62 ± 0/06) در موقعیت پایین تری (بیش از یک انحراف استاندارد) قرار داشته و در قیاس با میانگین رهبران منطقه منا (0/58 ± 0/06) در موقعیت متوسط قرار می‌گیرد. رهبرانی که معمولاً از سطح پایینی در خصیصه تمرکز بر انجام وظیفه برخوردارند معمولاً حفظ گروه و ساخت روابط با دیگران را بر انجام وظیفه (حل مسئله) ترجیح داده و حفظ روحیه و وفاداری موکلان‌شان را از وظایف اصلی رهبری خود می‌دانند. این رهبران معمولاً نسبت به خواسته‌ها و نیازهای طرفدارانشان حساس بوده و تلاش می‌کنند آنها را تامین کنند. رفاقت، وفاداری و تعهد نسبت به گروه برای این دسته از رهبران دارای اهمیت حیاتی است (Hermann, 2002: 24-27).

یکی از ویژگی‌های نتانیاهو با توجه به رابطه درهم‌تنیده مذهب و سیاست در اسرائیل، علی‌رغم سبک زندگی سکولار وی؛ توجه به دغدغه‌های سیاسی و مذهبی طرفداران و متحدان حزب لیکود بویژه احزاب راست‌گرای مذهبی اسرائیل است. از جمله مصادیق این نگرش می‌توان به تصویب قوانین سخت‌گیرانه مذهبی در دولت چهارم نتانیاهو در رابطه با مواردی مانند تغییر مذهب، اجرایی شدن قوانین غذای کوشر (حلال) و مسائل مربوط به ازدواج، طلاق و اختلافات خانوادگی اشاره کرد. طبق این قوانین جدید امور مربوط به مسائل فردی و صدور مجوز کوشر برای کارخانه‌ها و رستوران‌ها تحت اختیار خاخام اعظم اسرائیل قرار گرفت که خود به منزله عقب‌گرد نسبت به قوانین متساهلانه‌ای است که در دولت‌های قبلی اسرائیل به منظور تقویت گرایشات معتدل یهودی تصویب شده بود (Caspit, 2015).

### ۲. نتانیاهو و تهدید ایران

هنگامی که نتانیاهو در دهه ۱۹۸۰ بعنوان سفیر اسرائیل در سازمان ملل فعالیت می‌کرد تنها یک دولت عرب (مصر) به تازگی با اسرائیل از در صلح درآمده بود. سایر ملت‌های عرب مترصد فرصتی برای نابودی این رژیم بودند. عراق و سوریه بعنوان

جدی‌ترین تهدیدات متعارف علیه اسرائیل محسوب می‌شدند، ایران انقلابی به نماد خشم مسلمانان علیه دولت یهود تبدیل شده بود، عربستان سعودی همچنان بعنوان یک دشمن قسم‌خورده تلقی می‌شد و به اردن بعنوان معبر احتمالی تهاجم از سمت شرق نگرسته می‌شد. با این حال، امروزه مبانی جهان‌بینی اعلامی نتانیاهو با چالش‌های تجربی مهمی روبرو شده است. سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اردن دو سال قبل از آغاز اولین دوره نخست‌وزیری او با اسرائیل به توافق صلح اسلو رسیدند. از زمان به قدرت رسیدن دوباره در سال ۲۰۰۹ تهدیدات وجودی اسرائیل بعنوان بنیان اصلی جهان‌بینی نتانیاهو تا حدود زیادی رنگ باخته است. عراق طی تهاجم نظامی ائتلاف جهانی علیه تروریسم به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ از لیست تهدیدات وجودی اسرائیل خارج شد. سوریه به موجب جنگ داخلی پس از بهار عرب نه تنها تهدید جدی بحساب نمی‌آید بلکه به محلی برای تسویه حساب اسرائیل با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب (ایران) تبدیل شده است. عربستان سعودی بعنوان اصلی‌ترین متحد آمریکا در جهان عرب نه تنها دیگر تهدید حیاتی علیه اسرائیل محسوب نمی‌شود بلکه مسیر به رسمیت شناختن این رژیم و عادی‌سازی روابط با آن را در پیش گرفته است. با این حال، ایران همچنان جایگاه پررنگی در جهان‌بینی مبتنی بر تهدید وجودی نتانیاهو ایفا می‌کند. به طوری که وی خود را متعهد می‌داند که به هر قیمتی برنامه هسته‌ای ایران را متوقف سازد. برخی معتقدند لفاظی‌های مکرر نتانیاهو و تهدید به انجام حملات یک‌جانبه علیه تاسیسات هسته‌ای ایران موجب برانگیختن اقدامات بین‌المللی ابتدا به شکل وضع تحریم‌های سخت و سپس توافق قدرت‌های جهانی با تهران در سال ۲۰۱۵ به منظور ایجاد وقفه در برنامه هسته‌ای این کشور شده است (Pfeffer, 2018: 354). اگرچه به موجب این توافق، برنامه اتمی ایران تحت بی‌سابقه‌ترین نظارت‌های بین‌المللی قرار گرفت ولی هیچ چیز مانع از تداوم مخالفت نتانیاهو با این توافق و کاستن از لفاظی‌های او علیه تهدید وجودی جلوه‌دادن ایران نزد افکار عمومی داخلی و بین‌المللی اسرائیل نشده است. او بارها و در هر فرصتی به اسرائیلی‌ها یادآوری می‌کند که ایران می‌خواهد اسرائیل را نابود کند و او تنها رهبری است که توانسته است جامعه بین‌المللی را برای بقای اسرائیل به چالش بکشد. طبق گفته یکی از دستیاران نتانیاهو که سال‌ها با او همکاری داشته است:

«اگر نتانیاهاو را درک کنید او قبلا نیز به ایران حمله کرده است... برای او هر سخنرانی پرشور در سازمان ملل، کنگره آمریکا و یا در هر جای دیگر که علیه ایران ایراد می‌کند از هر حمله فیزیکی مهمتر است. میدان نبرد واقعی نتانیاهاو در کف کنگره آمریکا است نه در برخی سایت‌های هسته‌ای نظنز... برای نتانیاهاو ظاهر عمل مهمتر از خود عمل است... برای او مقدمات عکس برداری پیش از جلسه مهمتر از خود جلسه است. وی بیشتر از آنچه که روی می‌دهد به آنچه که گزارش می‌شود توجه دارد. برای او یک کلمه نوشتاری بالاترین ارزش را داشته و اوج موفقیت به حساب می‌آید. هنگامی که تلاش می‌کردیم او را متقاعد کنیم که دیگر ضرورتی برای نوشتن کتابی جدید درباره برادر مرده‌اش، یونی وجود ندارد او چنین پاسخ داد: شما قدرت کلمه نگاشته شده را نمی‌فهمید، این تاریخ را تغییر خواهد داد» (Caspit, 2017: 305).

به نظر می‌رسد گزاره تهدید ایران در نظام ادراکی نتانیاهاو بیش از آنکه ماهیتی عینی داشته باشد، دارای بعدی روانی با هدف حفظ موقعیت و جایگاه سیاسی وی در راس هرم قدرت اسرائیل از یک سو و جلب حداکثری حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی دولت‌های غربی از رژیم اسرائیل از سوی دیگر است.

### ۳. نتانیاهاو و مسئله فلسطین

همانند ایران، نتانیاهاو به مسئله فلسطین و ایده تشکیل کشور مستقل فلسطینی نیز به مثابه یک تهدید وجودی برای اسرائیل می‌نگرد. این باور نتانیاهاو از یک سو از دکترین ژابوتینسکی، بنیانگذار جنبش صهیونیسم تجدیدنظرطلب، در قبال اعراب و فلسطینی‌ها نشأت گرفته و از سوی دیگر در میراث سیاسی نتانیاهاو در دهه ۱۹۹۰ ریشه دارد. طبق دکترین موسوم به دیوار آهنین<sup>۱</sup> ژابوتینسکی تنها راه پایان دادن به خصومت اعراب در قبال دولت یهود، ایجاد یک نیروی یهودی قوی به منظور وادار کردن اعراب به پذیرش صلح است. وی معتقد بود اگر اعراب به واسطه این دیوار آهنین (نیروی قوی یهودی) از بیرون راندن یهودیان از فلسطین ناامید شوند، ناچار با انتقال رهبری به گروه‌های میانه‌رو خود به ما نزدیک شده و ما با ارائه امتیازات متقابل به صلح خواهیم رسید (Beauchamp, 2016).

---

1. Iron Wall

دکترین ژابوتینسکی به نوعی تبدیل به نقشه راه سیاست خارجی نتانیاها در قبال مسئله فلسطین شده است. این سیاست در چارچوب دو اصل اساسی شامل زیاده‌خواهی سرزمینی (گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری) و صلح از طریق قدرت به مبنایی برای سیاست راست مدرن اسرائیل و نتانیاها در قبال فلسطینی‌ها تبدیل شده است. با این حال، نتانیاها چندان به تحقق کامل دکترین دیوار آهنین در قبال فلسطینی‌ها اعتقاد نداشته و نسبت به دست کشیدن از آنچه که سرزمین‌های یهودیان در کرانه باختری می‌داند، متمایل نیست. از سوی دیگر وی پس از انعقاد توافق صلح اسلو بین دولت اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین، مخالفت با این توافق را بهانه‌ای برای حمله به اسحاق رابین و تحریک راست‌گرایان افراطی علیه او و فلسطینیان قرار داد. مخالفتی که منجر به ترور رابین توسط یک صهیونیست افراطی و سپس روی کار آمدن نتانیاها در انتخابات ۱۹۹۶ در اسرائیل شد. رویکرد رفتاری نتانیاها در تلاش برای مدیریت تعارض و نه حل مسئله که نتیجه آن را می‌توان در تعلیق فرایند صلح با فلسطینیان مشاهده کرد، اگرچه امنیت بیشتری برای اسرائیل از بعد داخلی به دنبال نیاورده است، ولی دست‌کم ائتلاف حزب لیکود تحت رهبری وی را با احزاب راست‌گرای مذهبی اسرائیل مستحکم ساخته است. ائتلافی که توانسته بقای سیاسی نتانیاها را در بالاترین سطح قدرت سیاسی در اسرائیل برای بیش از پانزده سال حفظ نماید.

### نتیجه‌گیری

از بررسی نتایج حاصل از تحلیل محتوای کمی داده‌های مورد استفاده در این مقاله می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد دوقطبی مبتنی بر پیچیدگی مفهومی کم نتانیاها یکی از ابعاد اصلی شخصیت سیاسی وی محسوب می‌شود که بخش مهمی از رفتار و سبک ادراکی نخست‌وزیر اسرائیل را در طول دوران نسبتاً طولانی حضور وی در بالاترین سطح قدرت اجرایی این رژیم و رفتار سیاست خارجی اسرائیل را شکل داده است. این رویکرد سیاه و سفید و سطح پایین پیچیدگی مفهومی هنگامی که با سایر متغیرهای ادراکی مانند باور زیاد به توانایی خود در کنترل رویدادها، نیاز بیشتر به قدرت، بی‌اعتمادی شدید به دیگران و تمرکز پایین بر انجام وظیفه (حل مسئله) در یک زنجیره هم‌ارزی قرار گیرد، نتیجه‌ای جز خلق یک سیاست تهاجمی و رفتاری بازصفتانه در

سیاست خارجی نخواهد داشت. رفتاری که به وضوح می‌توان سویه‌های آن را در قبال دو موضوع بزرگ‌نمایی تهدید ایران و مخالفت با ایده تشکیل کشور مستقل فلسطینی مشاهده کرد. از طرف دیگر داده‌های حاصل از تحلیل خصایص رهبری نتانیا هو نشان می‌دهد با توجه به جدول شماره یک، نتانیا هو به لحاظ رویکرد تقابلی با محدودیت‌های محیطی، بسته بودن نسبت به ورود اطلاعات و تمایل به تمرکز بر ساخت روابط، قرابت بیشتری با سبک رهبری تبشیرگرا دارد. بنابراین در حالی که بررسی تمامی عوامل شکل‌دهنده به سیاست‌های اسرائیل در طول دوران نخست وزیری نتانیا هو از حوصله این مقاله خارج است، می‌توان مدعی بود که در صورت وجود شخص دیگری در راس هرم قدرت اجرایی اسرائیل، رفتار متفاوتی را می‌توان در سیاست خارجی این رژیم انتظار داشت.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Javad Arabameri  <https://orcid.org/0000-0001-8254-0198>  
Mohsen Eslami  <https://orcid.org/0000-0003-4733-3497>  
Seyed Masoud Mousavi Shafae  <https://orcid.org/0000-0003-3882-5203>

Mohammad Hosein Jamshidi

### منابع

- اسلامی، محسن، (۱۳۹۳)، *سیاست خارجی اسرائیل*، (چاپ دوم)، تهران: انتشارات امیرکبیر.  
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل*، تهران: مرکز مطالعات علمی و پژوهش‌های استراتژیک خاورمیانه.

### References

- Bar Josef, Uri, (2001), *Israel's National Security toward 21<sup>st</sup> Century*, London: Routledge.

- Bard, Mitchell, G, (2007), *Will Israel Survive?*, London: Palgrave Macmillan.
- Beauchamp, Zack, (2016), The Ideas that Define Benjamin Netanyahu, *VOX*. Retrieved May 5, 2021 from <https://www.vox.com/2015/3/16/8220035/what-does-netanyahu-think>.
- Ben-Zaken, A, (2018), *The Father, The Son (Bibi) and the Spirit of Catastrophe*, Haaretz. <https://www.haaretz.com/.premium-the-father-the-son-and-the-spirit-of-catastrophe-1.5364937>.
- Bregman, A, (2016), *Israel's Wars: A History Since 1947* (4th Ed.), London: Routledge.
- Carlstrom, G, (2017), *How Long Will Israel Survive? The Threat from Within* (1st Ed.). Oxford University Press.
- Caspit, B, (2015), "Netanyahu Backslides on Religious Reforms", *Al-Monitor: The Pulse of the Middle East* Retrieved April 8, 2021 from, <https://www.almonitor.com/originals/2015/07/israel-netanyahu-religious-reforms-chief-rabbinate-orthodox.html>.
- Caspit, B., Cummings, O, (2017), *The Netanyahu Years*, New York: Thomas Dunne Books.
- Cohen, E. A., Eisenstadt, M., & Bacevich, A. J, (1998), *Knives, Tanks, and Missiles: Israel's Security Revolution*, Washington Institute for Near East Policy.
- Dille, B., & Young, M. D, (2000), "The Conceptual Complexity of Presidents Carter and Clinton: An Automated Content Analysis of Temporal Stability and Source Bias", *Political Psychology*, 21(3), 587–596, <https://doi.org/10.1111/0162-895x.00206>.
- DYSON, S. B, (2006), "Personality and Foreign Policy: Tony Blair's Iraq Decisions", *Foreign Policy Analysis*, 2(3), 289–306, <https://doi.org/10.1111/j.1743-8594.2006.00031.x>.

- Dyson, S. B, (2009), “Cognitive Style and Foreign Policy: Margaret Thatcher’s Black-and-White Thinking”, *International Political Science Review*, 30(1), 33–48. <https://doi.org/10.1177/0192512108097055>.
- Dyson, S. B. & Raleigh, A. L, (2014), “Public and Private Beliefs of Political Leaders: Saddam Hussein in front of a Crowd and Behind Closed Doors”, *Research & Politics*, 1(1), 205316801453780, <https://doi.org/10.1177/2053168014537808>.
- Freilich, C. D, (2014), *Zion’s Dilemmas: How Israel Makes National Security Policy*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Hermann, M. G, (1980), “Explaining Foreign Policy Behavior Using the Personal Characteristics of Political Leaders”, *International Studies Quarterly*, 24(1), 7–46. <https://doi.org/10.2307/2600126>.
- Hermann, M. G, (2002), *Assessing Leadership Style: A Trait Analysis*. Social Science Automation, Retrieved from [https:// socialscience. net/ docs/LTA.pdf](https://socialscience.net/docs/LTA.pdf).
- Hermann, Margaret, G, (2003), *Assessing Leadership Style: Trait Analysis*, In J. Post (Ed.), *the Psychological Assessment of Political Leaders*, AnnArbor: University of Michigan Press.
- Hudson, V. M, (2013), *Foreign Policy Analysis: Classic and Contemporary Theory* (2<sup>nd</sup> Ed.), Lanham, Maryland: Rowman & Littlefield Publishers.
- Inbar, E, (2008), *Israel’s National Security: Issues and Challenges since the Yom Kippur War*, NewYork, NY: Routledge.
- Israel Ministry of Foreign Affairs, (2015, September 7), *PM Netanyahu’s Remarks on the Gas Outline*, Retrieved from <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2015/Pages/PM-Netanyahu’s-remarks-on-the-gas-outline-7-September-2015.aspx>.
- Israel Ministry of Foreign Affairs, (2016, September 6), *PM Netanyahu Meets with Dutch PM Rutte*, Retrieved from [https:// mfa. gov. il/ MFA/](https://mfa.gov.il/MFA/)

Press Room/2016/Pages/PM-Netanyahu-meets-with-Dutch-PM-Rutte-6-September-2016.aspx.

- Katzir, N, (2019), The Decision Calculus of Benjamin Netanyahu, In A. Mintz & D. Adamsky (Eds.), *How Do Leaders Make Decisions? Contributions to Conflict Management, Peace Economics and Development*, 28(A), , Bingley: Emerald Publishing Limited.
- Kimhi, S, (2001), Benjamin Netanyahu: A Psychological Profile Using Behavior Analysis, In O. Feldman, L. O. Valenty (Eds.), *Profiling Political Leaders: Cross-Cultural Studies of Personality and Behavior*, Westpoint, Connecticut: Praeger.
- Kimhi, S., Yehoshua, S, (2017), “Behavior Analysis of Benjamin Netanyahu in 1999 and 2017: What has Changed?”, *Ann Psychiatry Ment Health*, 5(5), 1-10.
- Leslie, J. G, (2017), “Netanyahu’s Populism: An Overlooked Explanation for Israeli Foreign Policy”, *SAIS Review of International Affairs*, 37(1), 75–82, <https://doi.org/10.1353/sais.2017.0006>.
- Levine, N., Young, M. D, (2014, August 14 - 17), *Leadership Trait Analysis and Threat Assessment with Profiler Plus*, Eighth International Lisp Conference, Association for Computing Machinery, Montreal, Canada, <https://www.nicklevine.org/ilc2014/pplus/talk.pdf> .
- Maoz, Z, (2006), *Defending the Holy Land: A Critical Analysis of Israel’s Security and Foreign Policy*, AnnArbor: University of Michigan Press.
- Melman, Y, (2020, August 25), *Why Netanyahu Keeps his Cabinet in the Dark about Israel’s most Delicate Decisions*, Haaretz, Retrieved from <https://www.haaretz.com/opinion/premium-why-netanyahu-keeps-his-cabinet-in-the-dark-about-israel-s-most-delicate-decisions-1.9097453>.



- Moughty, S, (2016, January 6), *Eyal Arad: A “Messianic” Netanyahu*, PBS. Retrieved from <https://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/eyal-arad-a-messianic-netanyahu/>.
- Pfeffer, A, (2018), *Bibi: The Turbulent Life and Times of Benjamin Netanyahu* (1st Ed.), London: Basic Books.
- Preston, T, (2001), *The President and His Inner Circle*, New York, NY: Columbia University Press.
- Samsonov, G, (2019, August), “Netanyahu: More a Jabotinsky than a Begin or a Ben Gurion (No. 1258)”, BESA Center Perspectives Paper, <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2019/08/1258-Netanyahu-More-of-a-Jabotinsky-Samsonov-English-final.pdf> .
- Siniver, A. & Featherstone, C, (2020), “Low-conceptual Complexity and Trump’s Foreign Policy”, *Global Affairs*, 6(1), 71–85. <https://doi.org/10.1080/23340460.2020.1734953>.
- Sneh, E, (2005), *Navigating Perilous Waters: An Israeli Strategy for Peace and Security* (1st Ed.), London: Routledge.
- Suedfeld, P., Guttieri, K. & Tetlock, P. E, (2003), “Assessing Integrative Complexity at a Distance: Archival Analyses of Thinking and Decision Making”, In J. Post (Ed.), *the Psychological Assessment of Political Leaders*, , Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Tal, I, (2000), *National Security: The Israeli Experience (Praeger Security International)*, Praeger.
- Times of Israel, (2016, April 4), *Netanyahu the “Worst Manager,” Kept Changing his Mind, Spymaster Said before he Died*, Retrieved from [https:// www. timesofisrael. com/ netanyahu-the-worst-manager-spymaster-said-before-he-died/](https://www.timesofisrael.com/netanyahu-the-worst-manager-spymaster-said-before-he-died/).
- Yang, Y. E, (2010), “Leaders’ Conceptual Complexity and Foreign Policy Change: Comparing the Bill Clinton and George W. Bush

Foreign Policies toward China”, *The Chinese Journal of International Politics*, 3(4), 415–446. <https://doi.org/10.1093/cjip/poq015>.

- Ziv, G, (2011), Cognitive Structure and Foreign Policy Change: Israel’s Decision to Talk to the PLO, *International Relations*, 25(4), 426–454. <https://doi.org/10.1177/0047117811404580>.